

انقلاب اسلامی و پاسخ به برخی از شبهات مربوط به آن

ادامه از صفحه ۲

در مجموع باید گفت نمی‌توان وجود فساد را در کشور انکار کرد؛ اما اولین و اصلی‌ترین مدعی مبارزه با فساد خود نظام اسلامی است و از مبارزه با فساد ابایی ندارد و آن را تحمل نمی‌کند؛ هرچند در این مسیر هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شود که یکی از آن‌ها، تهمت سیستمی‌بودن فساد به نظام است.

بنابراین در کشور ما، فساد سیستمی نیست؛ زیرا اولاً، در فساد سیستمی، فساد بدون مانعی فرایندهای سیستم را آلوده کرده و هیچ سازوکار نظارتی حتی نمی‌تواند از وقوع فساد مطلع شود؛ چه رسد به آنکه آن را به نهاد قضایی گزارش کند و به اطلاع عموم برساند.

ثانیاً، در فساد سیستمی نهادهای نظارتی با از کار می‌افتند یا خود آلوده شده و به فساد دامن می‌زنند؛ درحالی‌که اختلاس‌های بزرگ توسط نهادهای نظارتی داخلی اعلام شده و قوه قضائیه کشور رسیدگی کرده و نهایتاً افرادی مجازات شده‌اند. اگر فساد سیستمی وجود داشت، چنین فسادهایی آشکار نمی‌شد که با آن برخورد شود.

ثالثاً، در فساد سیستمی، سیستم حاضر به هزینه‌کردن برای مقابله نیست؛ اما نظام اسلامی، هزینه طعنه و شماتت دشمن را پذیرفت؛ چون نمی‌تواند با وقوع فساد در کشور کنار آید و آن را هضم نمی‌کند.

•این همه پول نفت کجا و چطور خرج می‌شود که اثری از آن در زندگی خود نمی‌بینیم؟

اینکه تن‌ها به درآمد‌های دولت از جمله درآمد‌های نفتی تکیه کنیم و هزینه‌های دولت و مصارف بودجه را در نظر نگیریم، درست مانند آن است که در مورد افراد صرفاً به درآمد‌های آن‌ها توجه داشته باشیم و هزینه‌های آن‌ها را مورد توجه قرار ندهیم. همانگونه که قضاوت در مورد توانایی مالی افراد، صرفاً بر اساس درآمد‌ها نبوده؛ بلکه با توجه به مجموع درآمد‌ها و هزینه‌های آنان است. در مورد دولت نیز نباید با تمرکز بر درآمد‌های نفتی بدون در نظر گرفتن هزینه‌ها و مصارف آن سخن گفت.

هزینه اجرای این همه پروژه در بخش‌های مختلف، خدمات عمرانی از راه‌سازی گرفته تا احداث سد، کارخانجات، ورزشگاه‌ها، مسکن، گاز و برق و آب‌رسانی و ... تأمین نیازهای غذایی و دارویی و سایر نیازمندی‌های جامعه، از منابع داخلی و خارجی، پرداخت بارانه‌های دولتی چه مستقیم و چه غیرمستقیم، پرداخت حقوق کارمندان و کارکنان دولت و...از کجا تأمین می‌شود؟ آیا غیر از پول نفت و سایر منابع و درآمد‌های دولت مانند مالیات؟

شاید به‌دلیل وجود مشکلات اقتصادی و برخی ساختارهای معیوب اقتصادی کشور، کمتر اثر درآمد‌های نفتی را در زندگی خود احساس کنیم؛ اما توجه به اقدامات در زمینه زیرساخت‌های اقتصادی و کنترل و مهار تورم و تلاش در جهت تقویت ارزش پول ملی، در زندگی مردم تأثیرگذار است.

• چرا ما مانند امارات پیشرفت نکرده‌ایم؟

۱. پیشرفت امارات یک پیشرفت وارداتی و وابسته به دیگر کشورهاست؛ از این نظر نمی‌توان آن را به‌عنوان یک پیشرفت حقیقی دانست. پیشرفتی مطلوب و شایسته است که بومی و درونی بوده و بر پایه توانمندی و توسعه علمی یک کشور بنا شده باشد؛ نه آنکه جلوه‌های ظاهری پیشرفت را از دیگر کشورها وارد کرده و با ستیجاق‌کردن آن، نام پیشرفت بر آن بگذاریم.

امارات و کشورهای همچون آن، به‌دلیل داشتن منابع مادی فراوان، به‌راحتی اقدام به واردکردن انواع محصولات تولیدی مورد نیاز خود و از جمله مظاهر تکنولوژی‌های پیشرفته را می‌کنند؛ یعنی صرفاً سخت‌افزار تکنولوژی را وارد می‌کنند؛ ولی در بعد اصلی تکنولوژی یعنی جنبه‌های نرم‌افزاری آن همچنان به بیگانگان وابسته هستند؛ به‌همین دلیل توسعه‌یافتگی این کشورها اگر هم توسعه‌یافتگی تلقی شود، اولاً، موقت و محدود به زمانی است که ذخایر ثروت‌ساز در این کشورها موجود باشد و با پایان یافتن این ذخایر، ناگهان بحران عظیم در این کشورها ایجاد خواهد شد که نتیجه آن فقر و بحران‌های عظیم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خواهد بود. ثانیاً، یک توسعه وابسته می‌باشد که در آن اگرچه از امکانات استفاده می‌شود؛ اما همواره وابستگی به نرم‌افزار تکنولوژی و طراحان و مجریان آن وجود دارد و چنین توسعه‌ای هرگز ارزشمند نمی‌باشد و هر زمان ممکن است، برای یک کشور مشکل‌ساز باشد؛ به‌عنوان مثال امروزه حتی تکنولوژی بهره‌برداری از صنایع نفت و گاز کشورهای



عربی در دستان مهندسان غربی و شرقی می‌باشد که در صورت بروز کوچکترین مسئله‌ای، می‌تواند منجر به تحت فشار قرارگرفتن این کشور شود؛ چراکه حتی این صنعت که متعلق به این کشورهاست، در این کشورها بومی نشده است و همین مسئله استقلال این کشورها را در معرض تهدید قرار داده است.

۲. بالابودن آمارهای اقتصادی در این‌گونه کشورها، نشانه پیشرفته‌بودن آن‌ها نیست؛ بلکه به دلیل بالابودن منابع ثروت‌آفرین همچون نفت و گاز در این کشورها در کنار جمعیت بسیار پایین آن‌ها می‌باشد. از طرفی با توجه به اینکه درآمد سرانه به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی مطرح می‌گردد؛ لذا به غلط، این کشورها در ردیف کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌گیرند و حال آنکه توسعه‌یافتگی واقعی، باید متکی بر تولید باشد و نه به‌دلیل وجود سرمایه خام و ...

۳. آنچه از مظاهر پیشرفت در کشور امارات می‌بینیم، بخشی از لایه ظاهری آن است که از سوی رسانه‌های عمدتاً غربی برای تصویرسازی مورد نظر خود منتشر می‌شود و بر فقر و تبعیض در این کشور سرپوش گذاشته می‌شود تا چهره رؤیایی از این کشورها در ذهن مخاطبان ترسیم شود و راه پیشرفت را وابستگی به غرب بدانند و از بیمودن راه استقلال و پیشرفت حقیقی مأیوس شوند.

۴. بخشی از به ظاهر پیشرفت این کشور، به‌دلیل صنعت توریسم است که تلاش زیادی شده است تا این کشور تبدیل به یکی از کانون‌های گردشگری و توریستی دنیا تبدیل شود؛ اما به‌قیمت زیر پا گذاشتن عزت و شرافت. امروز این کشور به‌عنوان یک از مراکز توریسم جنسی شناخته می‌شود و غرق در فساد و فحشاست. چنین کشوری که استقلال و عزت و کرامت انسانی را زیر پا گذاشته است، چگونه می‌تواند نمونه یک کشور پیشرفته تلقی شود؟!

• چرا فراندوم برگزار نمی‌شود تا مردم حکومت دلخواه و سرنوشت خود را تعیین کنند؟

برگزاری فراندوم مجدد منطقی و معقول نیست، زیرا:

۱. هیچ نظام سیاسی در هیچ کجای دنیا، اصل و شالوده حکومتی خود را پس از انتخاب، به فراندوم مجدد نمی‌گذارد؛ زیرا اصل ثبات و استقرار نظام سیاسی در همه نظام‌های سیاسی به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است و بدون ثبات یک نظام سیاسی، قادر به انجام وظایف و مسئولیت‌های خود نخواهد بود؛ از این‌رو پس از استقرار نظام سیاسی، موضوع فراندوم در مورد اصل نظام سیاسی در هیچ‌یک از قوانین اساسی کشورها در نظر گرفته نشده است. این امر تزلزل در موجودیت نظام سیاسی را به همراه خواهد داشت و در انجام وظایف و مسئولیت‌ها اختلال ایجاد خواهد نمود و با فلسفه نظام سیاسی در تضاد می‌باشد. بر این اساس، این مسئله اختصاص به کشور ما نداشته و در همه نظام‌های سیاسی مطرح است و منطقی نیست که جمهوری اسلامی نیز نوع حکومت خود را مجدداً به همه‌پرسی بگذارد. ۲. اگر صرف وجود برخی مخالفت‌ها و نارضایتی‌ها، دلیل و مجوزی برای برگزاری ضرورت فراندوم باشد، در این صورت از آنجا که هیچ نظام سیاسی در هیچ زمانی از وجود مخالف و نارضایتی مردمی خالی نیست، باید در هر برهه زمانی و بنا به‌خواست افراد، اقدام به برگزاری فراندوم نماید که عملاً امکان‌پذیر نیست.

وجود احتمال در هر حادثه و پدیده‌ای وابسته به عوامل و شرایط قابل قبول و تأثیرگذاری است که پذیرش آن را افزایش می‌دهد. بی‌شک صرف وجود احتمال، هیچ الزامی برای مخاطبان فراهم نمی‌کند. اگر بنا باشد، به‌صرف احتمال و به‌خواست هر گروه و نسلی، همه‌پرسی برگزار کنیم، این برنامه پایان نخواهد داشت و هر گروهی به‌صرف احتمال، درخواست برگزاری همه‌پرسی می‌کند و این، هم عقلاً و هم در عرف حکومتی دنیا، پذیرفته نیست. از اینجاست که «نظام‌هایی که مشروعیت خویش را وامدار آرای مردم می‌دانند و به‌زعم سردمداران آن‌ها همیشه باید آرای عمومی به‌نفع آنان باشد تا مشروعیت‌شان محفوظ بماند، هیچ‌گاه با احتمال تغییر در آرای مردم به انتخابات جدید مبادرت نمی‌کنند و تاکنون کسی به آن‌ها اشکالی نکرده است؛ با اینکه به نظر می‌آید، این اشکال به‌صورت جدی متوجه آنان است؛ ولی وقتی مشروعیت نظام اسلامی به‌حکم الهی است، نه آرای مردم، ضرورتی ندارد که به‌صرف این احتمال ضعیف، مسئله انتخابات مجدّد را پیش کشید.» (مصباح یزدی، محمدتقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی‏، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۳)

۳. حضور پرشور مردم در صحنه‌های مختلف دفاع از نظام با وجود همه مشکلات و سختی‌ها، کارشکنی‌ها و تبلیغات جبهه رسانه‌ای دشمنان نظام، نشان از پای‌بندی نسبت به ارزش‌ها و اصول اسلامی و انقلابی داشته و نوعی فراندوم محسوب می‌گردد و نشانگر آن است که بر فرض برگزاری فراندوم مجدد، مردم اسلام و جمهوری اسلامی را به‌عنوان اصول و مبانی ارزشی نظام رها نخواهند کرد. راه اعمال حق حاکمیت بر سرنوشت خویش، تنها از مسیر انقلاب نمی‌گذرد و برگزاری رفاندوم تنها معیار شناخت دیدگاه‌های نسل‌ها پیرامون نظام‌های سیاسی نیست؛ بلکه راهکارهای متعددی از قبیل انتخابات، راهپیمایی، نظارت و نقد و بررسی عملکرد مسئولین و ... برای اعمال حق حاکمیت نسل‌ها و شناخت دیدگاه‌های آنان وجود دارد.

هیچ‌شکی وجود ندارد که مردم نسبت به برخی از امور نارضایی‌اند؛ اما این نارضایتی مربوط به ساختار اصلی و مبانی دینی حکومت نیست و این تلاش شیطنت‌آمیز جریان معاند و دشمنان نظام است که نارضایتی مردمی را با درخواست فراندوم مجدد جمهوری اسلامی پیوند زده‌اند؛ درحالی‌که راه‌های فراوانی برای اعلام نارضایتی مردمی و حق سرنوشت برای ملت در نظر گرفته شده است.

۴. برای تغییر یک نظام سیاسی، صرف برگزاری فراندوم کافی نیست؛ بلکه تغییر یک نظام سیاسی، نیازمند مبانی فکری و نظری لازم است و حق برهم‌زدن نظم موجود زمانی اثبات می‌شود که بطلان و غیرقابل قبول‌بودن نظم کنونی به اثبات رسیده باشد و نظام سیاسی جدید و معقول نیز معرفی شود.

برای تغییر نظام سیاسی، به عوامل متعددی نیاز است؛ اثبات عدم کارآمدی نظام فعلی، پیشنهاد ساختار سیاسی جدید و کارآمدتر، نیست و این تلاش شیطنت‌آمیز جریان معاند و دشمنان نظام است که نارضایتی مردمی را با درخواست فراندوم مجدد جمهوری اسلامی پیوند زده‌اند؛ درحالی‌که راه‌های فراوانی برای اعلام نارضایتی مردمی و حق سرنوشت برای ملت در نظر گرفته شده است. ۴. برای تغییر یک نظام سیاسی، صرف برگزاری فراندوم کافی نیست؛ بلکه تغییر یک نظام سیاسی، نیازمند مبانی فکری و نظری لازم است و حق برهم‌زدن نظم موجود زمانی اثبات می‌شود که بطلان و غیرقابل قبول‌بودن نظم کنونی به اثبات رسیده باشد و نظام سیاسی جدید و معقول نیز معرفی شود.

برای تغییر نظام سیاسی، به عوامل متعددی نیاز است؛ اثبات عدم کارآمدی نظام فعلی، پیشنهاد ساختار سیاسی جدید و کارآمدتر، نیست و این تلاش شیطنت‌آمیز جریان معاند و دشمنان نظام است که نارضایتی مردمی را با درخواست فراندوم مجدد جمهوری اسلامی پیوند زده‌اند؛ درحالی‌که راه‌های فراوانی برای اعلام نارضایتی مردمی و حق سرنوشت برای ملت در نظر گرفته شده است. ۴. برای تغییر یک نظام سیاسی، صرف برگزاری فراندوم کافی نیست؛ بلکه تغییر یک نظام سیاسی، نیازمند مبانی فکری و نظری لازم است و حق برهم‌زدن نظم موجود زمانی اثبات می‌شود که بطلان و غیرقابل قبول‌بودن نظم کنونی به اثبات رسیده باشد و نظام سیاسی جدید و معقول نیز معرفی شود.

نسل‌های بعد نیز اجازه نمی‌دهد که نسبت به آن فراندوم برگزار نمایند و آن را زیر سؤال ببرند.

اگر تغییر نظام سیاسی یک امر ذاتاً بالارزش و حق ذاتی هر نسلی باشد، باید پس از هر مدت زمانی که تعداد نسل جوان یک کشور به حد قابل اعتنایی رسید، نظام سیاسی قبل جای خود را به نظام سیاسی مورد نظر نسل بعدی بدهد، بدون آنکه این خواست جدید خود را اثبات کرده باشد و معلوم است که به این ترتیب، جامعه به چه سرنوشتی دچار خواهد شد و روی ثبات را نیز نخواهد دید؛ چون نظام سیاسی یک قانون جزئی نیست که با آمد و شد خود، ثبات و استمرار جامعه را دچار خلل نسازد. اصلاً آیا تاکنون در هیچ کشوری ـ با هر شکل از حکومت ـ انتخاباتی به‌صرف احتمال و ادعا انجام شده است تا نظام جمهوری اسلامی هم چنین کند؟! اگر این ادعا را بررسی کنیم، مستلزم تالی فاسد مهمی است. توضیح آنکه اگر مردم با انتخابات آزاد، نماینده‌ای را برگزینند و پس از گذشت زمان اندکی احتمال داده شود، رأی‌دهندگان از نظر خویش برگشته‌اند، باید تقاضای تجدید انتخابات شود؟! همین احتمال در مورد انتخابات ریاست جمهوری، اعضای شورای شهر، شهرداران و مسئولان دیگری که در نظام‌های مختلف از طریق انتخابات برگزیده می‌شوند نیز مطرح می‌شود. اگر در انتخابات به‌صرف احتمال تغییر نظر و رأی مردم ـ که در هیچ زمانی منتفی نیست ـ انتخابات مجدد برگزار گردد، کار دولت‌ها و حکومت‌ها فقط برگزاری انتخابات می‌شود! آیا چنین امری در دنیا پذیرفته است؟!

کیست که نداند، آنان که از آن طرف آب‌ها برای خواست نسل کنونی در کشور ما دل می‌سوزانند، با وجود گذشت چندین قرن از انقلاب‌های خود و انتخاب نوع نظام سیاسی توسط نسل‌های بسیار دور و مخالفت‌ها و اعتراض‌های جدی با نظام‌های حاکم، آیا حاضرند نسخه فراندوم را برای نسل جوان خود توصیه کنند. مردم و به‌ویژه نسل جوان باید هوشیار باشند و بدانند که این جریان‌ها که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلای تاکنون از هیچ اقدامی در دشمنی با نظام اسلامی و مردم دست برنداشته‌اند و سال‌هاست که تحریم‌های ظالمانه و غیرانسانی را بر کشور و مردم ما تحمیل کرده‌اند، هیچ‌گاه خیرخواه کشور و آنان نیستند. به‌راستی اگر آنان داعیه دلسوزی دارند، چرا چنین نسخه‌هایی را برای کشورهای خود تجویز نمی‌کنند؟

• با وجود این همه فساد در کشور، چطور ادعای اسلامی‌بودن جامعه و حکومت را داریم؟

در اینکه فساد در کشور به هیچ‌وجه زینده نظام و کشور ما نیست، تردیدی وجود ندارد؛ اما به صرف بروز فساد در کشور با توجه به مقابله و برخورد با آن از سوی دستگاه قضایی، نمی‌توان اسلامیت حکومت را زیر سؤال برد؛ زیرا حاکمیت با فساد مقابله کرده هرچند نیاز به برخورد قاطع‌تر و جدی‌تر وجود دارد، اما نظام و حاکمیت هیچ‌گاه از فساد و فسادان دفاع نکرده و با آن‌ها برخورد کرده است. فسادی که صورت گرفته، در اثر وجود خلأهای قانونی، بازدارنده‌نبودن برخی قوانین، فقدان شفافیت و ضعف در انضباط مالی دولت‌ها، ضعف نظارت و ... است که این‌ها به عملکرد برخی نهادها و مسئولان باز می‌گردد و ارتباطی با نظام و حاکمیت ندارد.

ضمن آنکه مگر کسی ادعا کرده که نظام جمهوری اسلامی، به همه دستورات اسلام به‌طور کامل عمل کرده و اسلام را با تمام ابعاد آن محقق ساخته است؟ جمهوری اسلامی، گام در مسیر حاکمیت اسلام برداشته است؛ اما تا تحقق کامل اسلام و برپایی جامعه‌ای اسلامی به‌طور کامل، فاصله زیادی وجود دارد؛ بنابراین قضاوت و ارزیابی عملکرد نظام جمهوری اسلامی، باید متناسب با راه طی شده باشد. همان‌گونه که حضرت امام فرمودند: «اینجانب هیچ‌گاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقهه و بی‌انضباطی برخلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند؛ لکن عرض می‌کنیم که قوه مقننه و قضائیه و اجرائیه با زحمات جان فرسا کوشش در اسلامی کرد این کشور می‌کنند و ملت ده‌ها میلیون‌ی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند.» (وصیت‌نامه‌الهی سیاسی امام خمینی‏، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۰، ص ۲۲)

مقام معظم رهبری نیز فرمودند: «ما همیشه می‌گوییم، بارها گفتیم که ما نتوانستیم خواسته‌های اسلام را به‌طور کامل تحقق ببخشیم، این قطعی است؛ اما ما راه زیادی در این زمینه طی کردیم. ما نتوانستیم عدالت اجتماعی را به‌طور کامل در این کشور به‌وجود بیاوریم؛ اما خیلی از راه را جلو آمدیم. نباید این‌ها ندیده گرفته بشود. یک‌روزی همه ثروت این کشور صرف تعدادی خانواده‌های اشرافی و اخیانا سرسبز آن به چند شهر بزرگ می‌رسید؛ امروز اقصی نقاط کشور برخوردار از خیرات این کشورند. این حرکت عظیم، حرکت به سمت عدالت اجتماعی، حرکت به سمت اخلاق اسلامی. حالا می‌شنویم گاهی اوقات راجع به اخلاق حرف زده می‌شود، انتقاد می‌کنند؛ بله با آن اخلاق اسلامی مطلوب، امروز ما فاصله داریم، در این شکی نیست؛ اما ما خیلی پیش رفتیم، راه زیادی را ملت ایران طی کردند، این‌ها را ندیده نگیزند.... بله البته راه طولانی‌ای در پیش داریم؛ ما به آرمان‌های‌مان هنوز نرسیده‌ایم؛ آرمان‌های اسلامی خیلی بالاتر از این حرف‌هاست.» (بیانات در دیدار مردم قم به‌مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی، ۹۳/۱۰/۱۷)

چرا همه نارسایی‌ها و ناکارآمدی‌ها گردن دشمن انداخته می‌شود؟ کسی همه مشکلات و نارسایی‌ها را به گردن دشمن نینداخته است.

مگر مقام معظم رهبری نفرمودند: [دشمن خارجی هست؛ اما این موجب نشود که از ضعف‌های خودمان غافل بشویم. ما هم ضعف داریم. ما هم یک جاهایی اشکال و نارسایی‌ها و نابسامانی‌ها داریم. این جوری نیست که ما هیچ اشکالی نداریم، هیچ مشکلی هست؛ در کار ما‌ها نیست، فقط دشمن خارجی است که دارد [مشکل ایجاد می‌کند]؛ نه، مگس روی زخم می‌نشیند؛ زخم را خوب کنید، زخم را نگذارید به وجود بیایید. ما اگر مشکل داخلی نداشته باشیم، نه این شبکه‌ها می‌توانند اثر بگذارند، نه آمریکا می‌تواند هیچ غلطی بکند. ما مشکلات‌مان را باید خودمان حل کنیم؛ مشکلات داخلی را باید حل کنیم، ضعف‌های‌مان را باید حل کنیم، ما ضعف داریم.](بیانات در دیدار مردم قم، ۹۳/۱۰/۱۹)

ادامه در صفحه ۸

ادامه در صفحه ۸